



سرآغاز هر نامه نام خداست که بی نام او، نامه یکسر خطاست

گزارش سفر علمی و فرهنگی به منطقه مرزی کلات - درگز - باجگیران

سرپرست سفر: دکتر جان پرور

با همراهی: سرهنگ مظلوم و مرزبانان غیور ایران زمین

۸ الی ۹ اردیبهشت ۱۳۹۵

در نقشه نیست، دنبالش نگرد، جالب ترین جاها و مکان ها در نقشه نیستند

(هرمان ملویل)

باید همسفر شد با انسان ها، باید همنشین شد با آنها تا بتوان آنها را شناخت و

زحماتشان را ارج نهاد... (م.جان پرور)

شرح این سفر علمی به زمانی بازمیگردد که دانشجویان جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد به همراه استاد گرامیشان، دکتر جان پرور قصد بازدید قسمتی از مرزهای این کشور عزیز را در ذهن خود می پروراندند. بدین گونه شد که با پیگیری های مداوم، این سفر با همراهی مرزبانان گرامی و نظارت ویژه سرهنگ مظلوم در کنار دکتر جان پرور آغاز شد.

فصل اول سفر: صبح روز چهارشنبه ۱۳۹۵،۲،۸ گروه علمی همسفر شدند با نسیم زیبای بهاری در کنار جغرافیدانان برنامه ریزی روستایی ورودی ۹۲ و ارشد جغرافیای سیاسی به همراه دکتر جان پرور استادی همگام و مشتاق تا تجربه کنند ناشناخته ها و لمس کنند زحمات نادیده را در کنار مدافعان این سرزمین، مرزبانان با شهامت.



موعد عزیمت به سوی دنیای مملو از نادیده ها رسیده بود، صبح هنگام زمانی که عقربه های ساعت ۷:۳۰ را نشانه گرفته بودند، بازدید علمی از مسیر کلات آغاز گردید. تنها کمی از گذر این زمان توقف کوتاه برای صرف صبحانه ای باشکوه صورت گرفته و همسفران با علاقه بسیار تمام هوش و گوش خود را متمرکز صحبت‌های سرهنگ مظلوم کرده بودند، ایشان در متنی کوتاه ابتدای این سفر بیادماندنی، اشاراتی کردند به ضرورت شکل گیری تعاملات بیشتر دانشجویان با مرزبانی و امنیت کامل مرزهای این کشور عزیز. سفر ادامه پیدا کرد... حوالی ساعت ۱۲ دیدگان بنای تاریخی آشنایی را می دید _ **کاخ خورشید** _ شاید تا چندی پیش تعدادی از همراهان سفر، فقط در کتاب ها و یا از شیشه قاب گرفته رسانه آن را دیده بودند. عمارت زیبایی در میان شهر که توانسته بود سالها تجلی گر خاطرات آن شاه یگانه و قدرتمند **نادر افشار** باشد. سفرکنندگان وارد کاخ شدند ابتدا به موزه رفتند و پس از توضیحات لازم راهنمای موزه از سایر آثار به جای مانده مانند: سردابه، گمانه های باستان شناسی، نقشه‌ی کشور در زمان نادرشاه افشار، المان های از مردم ارجمند کلات و... دیدن کردند. پس از آن همگی برای صرف ناهار و نماز قدم در طبیعت زیبا و دلنشینی گذاشته که گویی نقاش جهان به زیبایی تمام، قلم خود را برای نگارگری طبیعت و رود خانه درکنار یکدیگر به چرخش درآورده بود، صدای گوش نواز آب و زیبایی بس دلنشین طبیعت قره سو همه را مدهوش خود کرده و بی آنکه ذهن آنها حقی برای انتخاب داشته باشد لحظاتی از دفتر عمر خود را در آنجا ورق زدند.



کاخ خورشید: شهرستان کلات، اردیبهشت ۱۳۹۵



فصل دوم سفر: آهسته، آهسته صدای نفس های پایانی ماندن در کلات به گوش می رسید، باید این شهر تاریخی و زیبا به قصد درگز ترک می شد و اما چه ناباورانه لحظات سپری شده بود. خورشید همچنان در حال تابیدن بود، گویی خورشید نیز دوستدار همراهی سفرکنندگان است و از ترک کردن آن جمع صمیمانه آشفته می شد. از شیشه اتوبوس تماشای مناظر اطراف لذت تجربه نکردنی را در دلها ایجاد می کرد، گذر از جوار کوچ های عشایری و روستاها شور و شوق همه را برانگیخته بود. دیگر نوع نگاه ها و صحبت ها عوض شده بود ظاهرا دیده بانگاه های مرزبانی به چشم می خورد، صحبت ها شده بود مرز، امنیت، پاسگاه، حدود مرزی، نقطه صفر مرزی، میله های مرزی و از همه مهمتر حفظ و حراست از میلیمترهای خاک کشور. بار دیگر توقف کوتاهی در روستای مرزی حاتم قلعه صورت پذیرفت. نادیده ها و لمس نکردنی هایی که در ذهن ها به صورت علامت سوال خودنمایی می کرد را تجربه کردند همه ی آنچه را که قبل از سفر فقط شنیده بودند را توانستند با همراهی مرزبانان، این محافظان با شهامت ببینند.



منطقه مرزی حاتم قلعه: شهرستان درگز، ۱۳۹۵

شب هنگام در امامزاده محمد_ در روستای شیلگان از توابع بخش مرزی لطف آباد_ به منظور نماز و زیارت درنگی شد. سپس امامزاده را به قصد صرف شام ترک گفته، پس از ضیافت گرمی که از سوی مرزبانی تدارک دیده شده بود همه خوابی آرام و راحت با وجود امنیت کاملی که مرزبانان ایجاد کرده بودند را اولویت تمام کارها قرار دادند، راحتی و آرامش در سایه کسانی که شبانه روز و بی وقفه در تلاش هستند تا امنیت را برای تمام کسانی که در این مرز و بوم عزیز زندگی می کنند، برقرار کنند آنهايي که خطرها و سختی های کار را با هیچ خوشی و راحتی معاوضه نخواهند کرد.

فصل سوم سفر: روشنایی روز خبر از رسیدن طلوعی دیگر در زندگی می داد. روزی مالمال از خاطراتی به یاد ماندنی که در ذهن همه دانشجویان و همراهان سفر نقش خواهد بست، ابتدای روز با یادآوری و مرور تاریخ گذشتگان رقم خورد، رفتن به آتشکده عصر ساسانیان **بندیان**_ بنای تاریخی که درگوشه ای از شهر به سان نگینی شکوه و شوکت خود را حفظ کرده و تلالو نقوش قدیمی و سبک معماری گذشته آن، ذهن ها را گرفتار خود می کند و دلیل ساعت ها به شگفتی ماندن همگان می شود.

موزه تاریخی بندیان: شهرستان درگز، ۱۳۹۵



سیاحت ادامه دارد، همه سرخوش و دلگرم و سرشار از مهربانی، کوله باری مختصر می بندند تا هم قدم شوند با طبیعت زیبای تندوره، در این هوای دل انگیز، جان ها را با جان طبیعت گره زدند؛ هوا پر از بوی زندگی است. همه جا بهار می وزد و جان طبیعت، تازه تر از جان هایی است که دیروز متولد شده اند.



طبیعت زیبای تندوره: شهرستان درگز، ۱۳۹۵



ثانیه به ثانیه همه نزدیک شدن لحظه ای را که منتظرش بودند حس میکردند، وارد شدن به شهری که وعده گاه لمس تمام درسهایی بود که تئوری آن ها را در کلاس آموخته بودند، شتاب و اشتیاق همه برای رفتن به بازارچه مرزی باجگیران و دیدن میله های مرزی بین ایران و ترکمنستان توصیف ناپذیر است. درک واقعیت های که پیش روی آنها بود تجربه ای شد بس بیاد ماندنی.

بازارچه مرزی: شهرستان باجگیران، ۱۳۹۵



گاه می رویم تا برسیم... کجایش را نمی دانیم، فقط می رویم تا برسیم، بی خبر از آنکه همیشه رفتن راه رسیدن نیست ...

گاه برای رسیدن باید نرفت، باید ایستاد و نگریست، باید دید، شاید رسیده ای و ادامه دادن فقط دورت کند، باید ایستاد و نگریست به مسیر طی شده ...

گاه رسیده ای و نمی دانی ...

و گاه در ابتدای راهی و گمان می کنی رسیده ای...

مهم رسیدن نیست، مهم آغاز است سپس کم کم یاد می گیری که می توانی تحمل کنی که در خداحافظی محکم باشی و یاد می گیری که بیش از آنکه تصور می کردی خودت و عمرت ارزش دارد... و خوب می دانند سفرکنندگان این راه طولانی که باید کوله بار تجربیات سفر خود را ببندند و خداحافظی کنند با دوستان و تمامی همسفرانی که چه سخت دل به آنها و بودنشان سپرده بودند.

و درنهایت سپاسگذاری باید صورت گیرد از تمام کسانی که: دانشجویان از سرآغاز سفر علمی، در لحظات ناب ناباور این سفر، لذت و غرور دانستن، عظمت رسیدن به ناشناخته ها، صبر مقابل سختی ها و تمام تجربه های زیبای سفر را مدیون حضور سبزشان بودند. به راستی که تلاش های **دکتر جان پرور** استادی فرهیخته و همگام، برای برنامه ریزی و برگزاری این سفر علمی ستودنی و قابل تقدیر و قدردانی است. و همچنین حضور مرزبانان دلیر درلحظه، لحظه سفر سبز و درخشان بوده و گمان نمی رود سفر کنندگان زحمات بی وقفه این شجاع مردان را از ذهن ها پاک کنند و جای دارد تا تشکری ناب از آنان و **سرهنگ مظلوم** همراهی، صبور و مهربان به جای آورده شود.

با تشکر فراوان

زکيه نادري: دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

اردیبهشت ۱۳۹۵